

پس از مرگ هوشیاری از بین نمی‌رود

پژوهشگران دانشگاه ساوت‌همپتون پس از چهار سال تحقیق بر روی بیش از ۲۰۶۰ نفر به این نتیجه رسیده‌اند که حتی بعد از مرگ بالینی هوشیاری، دست‌کم به طور موقت، ادامه پیدا می‌کند.

پژوهشگران دانشگاه ساوت‌همپتون پس از چهار سال تحقیق بر روی بیش از ۲۰۶۰ نفر به این نتیجه رسیده‌اند که حتی بعد از مرگ بالینی هوشیاری، دست‌کم به طور موقت، ادامه پیدا می‌کند.

این وسیع‌ترین تحقیق پزشکی است که در مورد تجربه لحظات مرگ انجام شده است.

افراد مورد بررسی کسانی بودند که در پانزده بیمارستان در بریتانیا، آمریکا و اتریش دچار ایست قلبی شده، اما بعد با احیا به زندگی برگشته بودند.

از بین این ۲۰۶۰ نفر ۳۳۰ نفر زنده ماندند و تقریباً چهل درصد آنها، یعنی ۱۴۰ نفر درجاتی از "هوشیاری" را در زمانی که تلاش برای بازگردان آنها به زندگی در جریان بوده گزارش کردند.

دکتر سم پارنیا، پژوهشگری که این تحقیق زیر نظر او انجام شده می‌گوید: "مرگ در یک لحظه خاص اتفاق نمی‌افتد، بلکه روندی است که با توقف ضربان قلب آغاز می‌شود، بعد ریه از کار می‌افتد و سپس کار مغز متوقف می‌شود، شرایطی که در پزشکی به آن ایست قلبی می‌گوییم، که از نقطه نظر زیستی معادل مرگ است."

به گفته او، "شواهد نشان می‌دهد که در چند دقیقه اول بعد از مرگ هوشیاری از بین نمی‌رود."

"ما هنوز نمی‌دانیم که آیا هوشیاری بعداً زایل می‌شود یا نه، اما می‌دانیم که بلافاصله بعد از مرگ محو نمی‌شود."

با اینکه برخی از این افراد از تجربه لحظات اولیه پس از ایست قلبی به مورد خاصی اشاره نمی‌کردند با این حال در توصیفات آنها شباهت‌هایی دیده می‌شد.

بیشتر درصد آنها احساس آرامشی غریب را توصیف کردند و یک سوم آنها احساس کند یا تند شدن زمان را داشتند.

برخی دیدن نوری شدید را به یاد می‌آوردند: برقی طلایی رنگ یا تابش آفتاب را.

برخی دیگر احساس ترس از خفگی یا کشیده شدن به زیر آب را داشتند.
برخی افراد دیدن نوری شدید را به یاد می‌آوردند

۱۳ درصد احساس جدا شدن از بدن را داشتند و ۱۳ درصد دیگر احساس کرده بودند حواسشان تیزتر شده است.

اما یک مرد ۵۷ ساله، آنچه را پرستارها و پزشکان برای درمان ایست قلبی او انجام داده بودند با جزئیات به یاد می‌آورد و حتی می‌توانست صدای دستگاه و تجهیزات پزشکی را توصیف کند.

دکتر پارنیا می‌گوید: "ما می‌دانیم وقتی قلب از کار می‌افتد مغز هم دیگر کار نمی‌کند."

"اما در مورد این فرد، به نظر می‌رسد هوشیاری تا سه دقیقه بعد از توقف ضربان قلب ادامه داشته، در حالی که معمولاً مغز بیست تا سی ثانیه بعد از توقف قلب از کار می‌افتد."

"او هر چه را در اتاق اتفاق افتاده بود توصیف کرد، اما از همه مهمتر اینکه، او صدای دو بوق یک دستگاه را شنیده بود که هر سه دقیقه یکبار این صدا را تولید می‌کند. از روی همین ما فهمیدیم این تجربه چقدر طول کشیده است."

"حرف‌های او قابل اعتماد بود و هر چه گفت که برایش اتفاق افتاده، واقعاً اتفاق افتاده بود."

پیش از این محققان دیگر گفته بودند ده تا بیست درصد کسانی که تجربه مرگ بالینی را داشته اند افکاری منظم، روشن، مستدل و یا خاطراتی را گزارش می‌کنند.

حتی بعضی از آنها با جزئیات آنچه را بعد از ایست قلبی برایشان اتفاق افتاده به یاد می‌آورند.

با این حال شواهد علمی در این باره در بهترین حالت مبهم بوده است.

دکتر پARNIA می‌گوید: "بسیاری از مردم تجربه لحظات نزدیک به مرگ را دارند، اما به علت داروهایی که در زمان احیا تزریق می‌شوند یا آسیب مغزی نمی‌توانند بعداً آنها را به یاد بیاورند."

تعداد بیشتری نیز که تجربه مشابهی داشته‌اند، آن را به توهم یا خطای حواس ارتباط داده‌اند؛ با این حال به نظر می‌رسد به اتفاقات واقعی ربط داشته‌اند.

دکتر پARNIA می‌گوید که این تحقیق نشان می‌دهد یادآوری تجربه افرادی که لحظاتی از نظر بالینی مرده بودند باید بدون پیش داوری مورد بررسی های بیشتری قرار گیرد.

به گفته دکتر جری نولان، سردبیر نشریه "احیا" که این تحقیق در آن منتشر شده، این پژوهش، دریچه‌ای را به روی تحقیقات وسیع درباره آنچه که در زمان مرگ برای ما اتفاق می‌افتد باز کرده است.